

دور دوم

( هجوم بر موضع اصلی ۵۱ )

امیر جنرال ( قورویاتکین ) بر تول غند از شهر ( لیائویانغ ) بتاریخ

۲۹ آگست ۱۹۰۴ ساعت ۵ دقیقه ۱۰

وقت شام

در ( ۲۸ ) آگست تول غندهای ( ۱ ، ۲ و ۳ ) ژاپنها در جبهه ( چه غو — وادی تاهو — وان بانای — طوندیاچا — شاحو — دونتای ) منتشر شده میباشند .

تول غند که در زیر اداره من داده شده در منطقه مستحکمه ( لیائویانغ ) تجمع میکنند . درینوقت بغل راست تول غند ، بر خط ( تان وانغ — قاوایزان ) بامفرزه جنرال ماژور ( قوساوغوفسکی ) مستور است . و جناح چپ تول غند بر خط ( په نسیقو — تالینگ — سینکیخ ) بامفرزه های قول تول غند ( ۱۷ ) ستر وحمایه شده است . اگر دشمن بر حرکت پیشقدمی خود دوام ورزد ، تول غند بر خطی که از ده های ( مایه نطون — داجین — سی یا اویانچو — سینلی طون — اودیا غو — قودیاچو — یا اوچو — سی یابو — تاچیدو — سی قو آنطون ) میگذرد به شدت مقاومت میکند .

بناءً علیه اجرا کردن این فقرات ذیل را بر تول غند امر مینمایم :

( ۱ )

قطعات خط اول :

اول — جنرال لیوتشان بارون ( شتا کلبرغ ) که قوماندان نخستین قول تول غند سیریاست . موضعی را که بر تپه هائیکه از شمال ده های ( مایه طون — داجین — سی یا اویانچو — سینلی طون ) میگذرد واقع میباشد مدافعه میکند .

و با قول تول غند (۳) سیبری را ارتباط خود را محافظه کرده اراضی شرقیه ستر و امنیت میدهد .

« دوم — جنرال لیوتشان ( ایوانوف ) که قوماندان قول تول غند (۳)

سیبریاست . منطقه را که از تپه های شمال (قورویاچو) تا به راه (سیچانیو) —

مدن یافان ) امتداد یافته مدافعه ، و با قول تول غند نخستین سیبری را ارتباط خود را

محافظه ، و اراضی غربیه را که از (شانچو ایوتابه سسی) امتداد یافته ستر و حمایه میکنند .

« سوم — جنرال لیوتشان (شلوچه و سکی) که قوماندان قول تول غند

(۱۰) اوروپاست . منطقه را که از راه (سیچیانو — مدن یافان) تا به ده (سی

یایو) میباشد مدافعه میکند .

« چهارم — جنرال سواری بارون (بلیده راینغ) که قوماندان قول تول

غند (۱۷) اوروپاست . جناح چپ راسترو محافظه میکنند .

(۲)

### احتیاط عمومی

اول — جنرال لیوتشان (زاروبایف) که قوماندان قول تول غند (۴)

سیبریاست .

دوم — جنرال لیوتشان (ساسولیچ) که قوماندان قول تول غند (۲)

سیبریاست .

این دو قول تول غند در جوار (سیطود یاواچو) و (سی بودیاپون)

اجتماع کرده میباشدند .

سوم — جنرال لیوتشان (ده مپوسیتی) که قوماندان قول تول غند (۵)

سیبریاست با اقسام فرزة خود در شمال ده (شاحو) در نزدیک (لیا ثویانغ)

وجود میشود .

چهارم — جنرال مازور ( سامسونوف ) قوماندان فرقه قازاق سواری  
در پشت خط استحکامات درقریه ( اویچیه ) مجتمع میباشد .

[ ۳ ]

### ( حمايه جناحين )

در جناح چپ : جنرال سواری بارون ( بیلده رلینغ ) .  
در جناح راست : جنرال مازور ( میچه نگو ) . امر محافظه و مدافعه را  
بجای آرند .

جنرال مازور ( غره قوف ) جناح راست تول غندرا محافظه میکند .

( ۴ )

### طوپچی موضع

بموجب امر و عملیاتی که مفتش طوپچی میدهد غندک هارا وضع و  
ترتیب میکند .

( ۵ )

### ( استحکام )

خط استحکامات بموجب عملیاتیکه قوماندان منطقه مستحکمه ( لیاو  
یانغ ) جنرال مازور ( ماسلوف ) بدهد پرواشغال میشود .

( ۶ )

### خسته خانه

خسته خانه سیار در استاسیون ( لیاو یانغ ) میباشد .

(۷)

## ( جبهه خانه )

قولهای جبهه خانه طوپیچی بموجب اوامر و تعلیمات قوماندانهای قول تول غند  
ها در منطقه هائیکه احتیاج دارد جدا جدا اقدامه ها تشکیل میکنند .

(۸)

## ( قطارهای ریل )

ترنهای شمندو فر یعنی — قطارهای ریل بر راهها ئیکه بقول تول غندها  
نشان داده شده است موجود میشوند ، و ستر و حمایه آنها از طرف قوماندان  
های قول تول غند هادر زیر امنیت گرفته میشوند .

(۹)

## ( راپورتها )

راپورتها اولابن در قرارگاه عمومی ( لیا توینغ ) واصل میشود . و قرار  
گاه عمومی با قرارگاههای قول تول غند هابا خطهای تلگراف و تلفون مربوط  
میشود . در نزد هر رئیس عمومی ارکان حریبه ، قول تول غند و افسر سخا  
بره میفرستند .

(۱۰)

## ❦ راهها ❦

برای رفتن و وضعها ئیکه قطعات آنرا اشغال کرده اند راهها ئیکه تعقیب  
میشود قوماندانهای قول تول غند هانرا نشان میدهد . راه های مذکور  
بقدر لازم تعدیل و اصلاح میشود ، و اشاراتی که در نقاط معینه برای نشان دادن

راهها گذاشته میشود علامتهای فارقه میداشته باشد .

اینست که جنرال ( قور و پاتکین ) بتاریخ امسری که به تول غنڈ خود داده است از ( ۷ ) قول تول غنڈ خود تنها ( ۴ ) قول آنرا تقریباً بر « ۳۰ » کیلو متره یک جبهه بخط اول مأور کرده و قوتهای مهم خود را در عقب برای احتیاط گذاشته بود که از قسم اعظم آنها هیچ وجه يك استفاده نشده بود . حال آنکه اگر « قور و پاتکین » آنها را معطل نگذاشته در وقت و آن لزوم استخدام کرده میبود احتمال که مخفییت و وفقییت « لیا ئویانغ » برای ژاپانها فی بلکه برای روسها حاصل میشد . اما شایان تعجب است که این امس « قور و پاتکین » بجز مدافعه مطلقه دیگر هیچ چیزی را هم در بر نمیگرفت .

۱- امسری که برای ( ۳۰ ) آگست به تول غنڈ ژاپان داده شده ص

امریکه از طرف راه شال ( او یاما ) در روز ( ۳۰ ) آگست به تول غنڈ ژاپان داده شده است از ینقرار است :

اول - تول غنڈ نخستین جنرال « قور و کی » در جناح راست در مانین نهر « تاچیو جو » ، و جاده که از ( لیا ئویانغ ) به « فنغ مو انشان » میرود یکسر بسوی شمال شرقی پیش شده بر جبهه ( قو طو آی ) و ( ئی یه او جو ) بر دشمن هجوم میکند . این تول غنڈ احتیاط خود را در عقب جناح راست میدارده .

دوم - تول غنڈ چارم جنرال ( نوزو ) راه برآه بر استقامت شمال پیش میرود ، و در جبهه جنوب ( سیچانپو - چونانطون ) بر دشمن تعرض میکند .

سوم - تول غنڈ ( ۲ ) جنرال ( او قو ) در جناح چپ ، جاده ماندا رین و خط شمند و فری را که به ( پور آرتور ) میرود محور الحركات اتخاذ کرده

بر تپه های شمالی خط ( سینیاپتون - سی یا او یا نچو - مایه طون ) هجوم میکند . و از غرب ( مایه طون ) بمخساح راست دشمن به نزدیک شدن کوشش میورزد . غبرک غند های احتیاط تول غند ( ۳ و ۴ ) در عقب جناح چپ ، و در زیر اداره خود ماره شال ( او یا ما ) میباشد . قرارگاه عمومی بزرگ باتول غند ( ۴ ) یکجا حرکت میکند .

سرفو ماندان ژاپان که احتیاط عمومی خود را در عقب جناح چپ وضع کرده است بخوبی معلوم میشود که اگر از طرف روسها یک حرکت احاطه بوجود آید با احتیاط تول غند نخستین آن را مقابله کرده خود را بر جناح راست دشمن یک حرکت احاطه مهمی اجرا میکند .

در اول امر ماره شال او یا ما اگر چه ترتیبات خود را بهمین وضعیت گرفت اما در روز حرکت دفعته تول غند نخستین را بر جناح چپ روس به اجرا کردن یک حرکت احاطه امر نمود ، و در هنگامیکه تول غند نخستین این حرکت مهم و نازک را اجرا میکرد تول غند های ( ۳ و ۴ ) بر جبهه جنوب ضربی بشدت هجوم کرده از قوای عسکرینه دشمن که درین جهت بود مقدار بسیاری را بسوی خود مشغول میساخت .

اجرای این حرکات ، در مابین تول غند نخستین و تول غند ( ۴ ) زیاد از ( ۲۰ ) کیلو متره یک فاصله بمحصول آورده ، و برای یکمادتی وضعیت جنرال ( قوروکی ) را بیک حال بسیار هلسکی می انداخت . با وجود اینهم تشبث ماره شال برین حرکت هیچ شبهه نیست که بیک فکر و تصور بسیار مهمی منتهی شده باشد .

### ( تعرض تول غند نخستین )

پیش ازین دیده بودیم که تول غند نخستین ژاپان بر سه قول جدا شده بود . اینست

که جنرال ( قورویکی ) در پیش روی قول تول غنند های ( ۳ و ۱۰ ) روس، لوی غنند خاصه ، ولوی غنند ( ۲ ) خود را گذاشته ، و خودش لوی غنند ( ۱۲ ) را با خود برداشته یکسر بسوی شمال روانه شده بود .

در شب ( ۳۱ ) آگست نهر ( تاپچو ) را گذر کرده در حالی که جبهه اش راست بسوی غرب متوجه ، و تپه های ( قوانطون ) را استیلا نمود . در وقت گذشتن نهر از طرف روسها هیچ يك تعرض و مانعی بوقوع نیامد . در انطرف نهر غبرك غنند ( ۱۵ ) لوی غنند ( ۲ ) به او التحاق نمود . در عین زمان غبرك غنند احتیاط خاصه در موقع ( به تسیقو ) از نهر ( تاپچو ) میگذاشت .

در وقتیکه این احوال در شمال بوقوع می آمد ، لوی غنند خاصه تنهابسر خود در پیش روی قول تول غنند های ( ۳ و ۱۰ ) روس بچنگ ایستاده بودند . درین اثنا لوی غنند مذکور به يك جرأت فوق العاده نشان داده بيك تعرض بسیار شدتناکی آغاز نهاده تپه های ( چود یاغو ) ، و ( وایناطای ) را بدست ضبط و تسخیر خود در آورد .

در روز ( ۳۱ ) ماه اگر چه در پیش ، بایک هجوم مقابل قطعات روسها کم و بیش بمشکلاتی برخوردند ، ولی در وقت شام این قطعات روس بنا بر امر بيك از قوم ماندان خود گرفتند به آنطرف نهر ( تاپچو ) بر جعت مجبور شده فرقه مذکور تابه ( ۲ ) ستمبر یعنی — دوروز در ساحل جنوب نهر مذکور ماندند . درین اثنا به بینیم که تول غنند های ( ۴ و ۲ ) ژاپان چه میکردند .

— ﴿ تعرض تول غنند های ( ۴ و ۲ ) ﴾ —

در وقت شام ( ۲۹ ) آگست تول غنند های ( ۴ و ۲ ) ژاپان از ساحل راست

( شا حو ) بر خط راه آهن یکسر بسوی شمال پیش میرفتند ، جهت راست خط تعرض را لوی غند ( ۱۰ ) تشکیل داده بوده این لوی غند تابه ( شی حو بو ) امتداد مینمود .

در مقابل این تول غندها ، قول تول غند نخستین سیربای روس بر تیه های ( شوشانیو ) مقابله میکردند .

در ترتیبات تنظیم خط مدافعه روس ، جقدر خطاها و نقصانها موجود بود که در آخر بحث امر قور و پاتکین آن را دیده بودیم . گویا این نواقص کفایت نمیکرد که این خط را نیز از تکاب کرده بودند : متلادر خندقهای شکاری افراد عسکریه را شاهه بشاهه و آرنج به آرنج نشانده بودند که این قسم وضع نمودن عسکر تا میرشدت آتش شانرا افزونی نمیدهند و هم ضایعات شانرا از حد زیاده می افزاید .

طوب چئی خودشان را که عبارت از ( ۷ ) غندك طوب محرا بود کاملاً در پشت تپه ها وضع کرده انداخت ، مقوس اجرا میکردند ، برین موضعهها و خیفه هجوم بردن بماده لوی غند ( ۳ ، و ۵ ) ژاپان محول شده بود ، در طرف چپ اینیا لوی غند های ( ۶ ، و ۴ ) در جهت غربیه شمنند و فریه يك محاربه بسیار بادوام متمادی مأمور شده بودند ، در طرف راست : سواری لوی غند های ( ۳ ، و ۵ ) بالوی غند ( ۱۰ ) از تباط شان را در زیر امنیت گرفته بود ، در شب ( ۳ ) ماه این هر دو لوی غند ، رفتار هجوم خود شانرا اجرا کردند ، لوی غند ( ۵ ) ، طوب چئی خود را بموضعی جایمانمود ، و بعد از يك محاربه شدید هجوم سر نیزه تپه حرف ( ع ) را که در جناح چپ روسها بود ضبط کردند .

لوی غند ( ۳ ) در میان کشتزارهای ( شورایان ) بعد از يك رفتار شیافاً بسیار مشکل ، در جوارده ( که موت چو وانغ ) به توقف مجبور شدند ، و در اینجا سرعت



تمام بعضی سپرها ساخته خود را از تأثیر مد هشته آتش دشمن مستور نمودند .  
 در روز ( ۳۰ ) ماه محاربه علی الصبح بایک دروازه طویچی آغاز نهاد .  
 طویچی های روس که در پشت تپه هامو ضوع بودند انداخت اندیرکت اجرا  
 می کردند .

در جهت ژاپنها ( ۶ ) غندك طوپ لوی غند ( ۵ ) كذلك در پشت تپه ها  
 پریشانته های حرف ( ی ) ( ز ) ( ح ) آهینه شده بودند . ( ۶ ) غندك طوپ سردار لوی غند سردار  
 که بایک قسمی از طوپ چینی مستقل تقویه شده بود از درواضه روس بقدر ( ۵۰۰ )  
 متره دورتر در داخل آهنت زارعی غولیان در درواضه مستوری جایجا شده  
 بودند . آسپهای طوپ خانه نامدر عقب خانه های رده های سرجو از تکفوضه پیر داند .  
 درین اثنا بقدر ( ۳۶ ) قطعه طوپ اریوس های صحرا از فیشون قدیم که روسها  
 آن را با شمشیر آورده و از طرف عسا کر مستحقه استعمال میشدند از  
 مسافت ( ۵۰۰ ) متره به انداخت آغاز نهادند . انداخت این طوپها بواسطه متر  
 صد ها تیک بر سر تپه اقامه شده بودند ، و با تفویض به طوپخانه های مذکور مربوط  
 بودند اجرا میشده ، اما چون موضع طوپ ژاپان را کشف نمیتوانستند انداخته  
 شان بهر وجه میرفت .

غندك های ژاپان بر سپر های پیاده روس که از دروازه طوپ مستور میشدند  
 غنایم تنظیم انداخت کردند ، اما انداخت ژاپنها بزنانا تیرکی گمان دادند  
 چونکه در قسم اعظم مس ، بیها اشتعال بوقوع نمی آمد .

درین اثنا لوی غند ( ۳ ) در مترسهای خودشان بیک حال غیر متحرکی  
 مانده بودند . لوی غند ( ۵ ) بشمال تپه حرف ( ع ) یک غند فرستاده که به این  
 غند امر داده شده بود که بر موضعی حرف ( ح ) و ( ف ) از پشت هجوم ببرد .  
 این غند در زیر تأثیراتشهای شدیدیکه از جبهه و بغاها ، و او بوسها می آمد

بعضایعات بسیاری دوچار آمده بعقب کشیدن مجبور شدند .

غبرك غند (۹) که هجوم بر جبهه برده بودند نیز بعدم موفقیت منجر گردید . دو تولی اول این غبرك غند وقتیکه به دره تنگ هدف مقصود رسید از هر طرف چنان باران شدید کله بر آنها باریدن گرفت ، و مانند سبزه های که در زیر داس دروگریفتند تا بفرد آخرین برخاک هلاک افتاد . دو بلوک دیگر که در عقب آنها بودند از دو بلوک اولی درس عبرت گرفته بر همان جایشکه بودند میخ شده بماندند . درینوقت قوما ندان لوی غند در خصوص تعطیل حرکت امر داد .

تشبثاتی که از طرف لوی غند (۴) بوقوع آمد نیز عقیم ماند . پیاده که در آن اثنا بر جناح راست روسها هجوم برده بود از طرف تولی های مینرالپوز روس به ضایعات عظیمه دوچار گردید .

روز (۳۱) ماه مخاربه باز بیک شدت فوق العاده آغاز کرد . طویچئی هر دو طرف هنوز بیک تأثیر فوق العاده حاصل کرده نتوانسته بود . هجومهای شدید پیاده ژاپان در مقابل مدافعه دلیرانه پیاده سبیریا منکسر میگردد . لهذا ماره شان ( او یاما ) مجبور گردید که یک قسمی از صنف احتیاط خود را در میدان مخاربه سوق نماید .

مخاربه تا بوقت شام بلکه شب تمام شب به هجومهای متوالی ژاپانها دوام ورزید . در ساعت ( ۵ ) شام طویچئی ژاپان شایان تقدیر و تحسین حاضرئی هجوم را بعمل آورده و در زیر حایه آن دو غند تازه دم صنف احتیاط ژاپان بر سپرهای پیشترین خط مدافعه روس حمله های هر برانه ، و هجومهای مهلکانه برده تپه های ( ح ) و ( ف ) زاب دست نسبت و تسخیر خود در آورده . بنابراین در ساعت یک شب از طرف سر قوماندان روس بر قول تول غند نخستین سبیریا امر

شد که موضعیهای خود را خالی کنند .

این امر که از نتیجه تعرض جنرال ( قورویکی ) پیش آمده بود در صبح روز اول ستمبر اجرا گردید . لهذا قول تول غند نخستین سبیریا در زیر حایه آتش شدید قطعات خط مدافعه دوم روس از پلهائیکه از اول حاضر کرده بودند از شهر (تایجو) به انطرف عودت کردند .

### — { دور سوم } —

#### هجوم احاطه تول غند نخستین ژاپان

نظر به بیاناتیکه در باب محاربه شام ( ۳۱ ) آگست گفته شد معلوم میشود که هجومهای ژاپان بر تمام جبهه بعدم موفقیت منجر شده بود ، و برای امر رجعت قول تول غند نخستین سبیریا چند آن لزوم مبرمی نبود . زیرا در شب مذکور تلگرافی که مارشال ( اویمان ) به ( توکیو ) کشیده است نیز این سخن را تأیید می کند .

#### ( صورت تلگراف )

[ محاربه دوام دارد . تا بحال هیچ طرف هیچ نتیجه بدست نیاورده است . ]  
اگر ( قورویا تکین ) احتیاطهای قوت مندی را که در زیر دست داشت به حط حرب داخل میکرد این عدم موفقیت ژاپانها که بیك مغلوبیتی هم منقلب میشد . اما سر قوماندان روس جنرال ( قورویا تکین ) برای خود همین يك را اصول حرکت اتخاذ کرده بود که باز ای آنها بجز اینکه تفوق عددی جسیم بدست آرد بدیگر صورت کاری از پیش برده نخواهد توانست ، و بنابراین فکر و تصور بسیار فرست هارا بر ایگان از دست دادند ، و از ادنا آنها که گریختن را پیشه گرفته بود .

و ازینسبب بود که بمجردیکه قطعات جنرال (قورویکی) را دید که از نهر (تایچیو) عبور نمود حرکت احواله دشمن را یک تهاکه عظیمی دانسته هاندم امر مدافعه استحکام سربل (لیانویانغ) را بقول تول غند های (۳ و ۴) سیریا ترک کرده قول تول غند های (۱ و ۳) سیریا، و قول تول غند (۱۰) اور و پارا بسا جل راست نهر (تایچیو) جلب نمود، و آنها را با اقسام و چورده قول تول غند (۱۷) و (۵) یکجا گردید که قوه مهمه تعرضیه از آن یو چود آورد.

ازین وضعیت جنرال (قورویا تکین) هر صاحب بصیرت فن عسکری را این فکر حاصل میشد که جنرال (قورویا تکین) وضعیت مرانک و بحران تنی تول غند (قورویکی) را که از قسم کلنی خود دور، و تنها بسر خود بمساجد به مجبور ماند است بخوبی درک کرده از آن و قوماندان روس ازین فرصت استفاده کرد و از هیچر اندک و در این قره عظیمه خود دیک تعرض مقابل شنیدنی در آمده و قطعات قورویکی را در میان دره در زیر تضیق و فشار آورده تا بقرب آخرین آن نهر را محو و پریشان میکند.

بحقیقت که برای موفق شدن و این پلان و نقش همه شرایط و احتمالات را جامع بود، اما در آن افسوس که جنرال روس این حرکت مقوله را از قوه به فعل نیآورد، زیرا او از غنچه چیز بیشتر بفرجه جهت کردن خود مشغول بود، و تصور و اندیشه تا کاشی بسیار جزئی در نظرش یک خوف و رعب عظیمی حاصل میگردد. لهذا این جرات فرصت مهم مخاربه تعرضی را فوت کرده بی جرات تنی وضع تدافعی درآمد.

— تعرض و هجوم جنرال (قورویکی) بر «سیقو آنجلون» —

جنرال (قورویکی) که بنا بر تمشیت جرات کارانه خود تهاکه عظیمی را به

نظر گرفته از جنوب (ایا ثویا نغ) یکسری بسوی شمال ب حرکت احاطه اقدام ورزید. اگر چه میدانست که این وضعیت او خیلی تهلکناک است ولی باز هم بر مثل (ما فاذ بالذات الالجسور) کار کرده فرصت، ظفریت را فوت نمود. و چون خبر وضعیت حرکت جنرال (قورویا تکین) را که در بالا بیان شد گرفت با وجود آن هم بی پروائی و اعتدال دمی که داشت باز هم نظر بوضع وقت حاضر خود از اندیشه و احتیاط خالی نماند.

لذا برای مقاومت کردن هجوم تعرضی دشمن ترتیبات لازم و وضعیت تدافعی خود را حاضر و آماده نمود. اولاً نقطی را که گرفته بود بصورت بسیار محکمی تقویه و مستحکم ساخت. ثانیاً غبرک غند (۳) را که از عقب او آمده و در انطرف نهر مانده بود از تهر بسوی خود گذرانید. ثالثاً غبرک غند احتیاط خاصه را نیز به نزد خود جلب نمود.

اما چون در صبح روز اول ستمبر از طرف روسها هیچ يك علامه هجوم را ندید، بلکه وضع تدافعی آنها را ملاحظه کرد باز بر حرکت جراتکارانه تعرضی نیکی سابق داشت دوام ورزید.

طوب چئی خود را پیش از پیشین در جهت شرق ده (آنقوتان) بوضعیت بسیار مانده و وضع داده در زیر حمایت آن بشدت بر تپه های شمالی (سپقو آ نطون) هجوم نمود. ولی این هجوم فداکارانه لوی غند (۴) در پیش آتش های شدید و مهلك خط مدافعه روس بی نتیجه بماند. در شب دوم ستمبر باز این تشبث بصورت شدیدتر تکرار یافت و تا روز دوم ستمبر بعد از پیشین دوام ورزید.

وقت شام بود که تپه های مذکور از طرف لوی غند (۴) ضبط و تسخیر گردید و به اینصورت يك نقطه استناد بسیار قیمتمنداری برای حرکات تعرضیه

بدست ژاپنها درآمد .

در همانروز سه قول تول غند روس که از نهر ( تایچو ) گذشته بودند از پیتابی و مانده کی که داشتند در نزدیکیهای ( سینی چین ) به توقف مجبور شده بودند . سر قوما ندان قطعات روس که بمقاومت جنرال ( قوروکی ) مأمور بود جنرال ( پیاده رلینخ ) بود که از آن سه قول تول غند تنها يك غيرك غند جنرال ( اورلوف ) به امداد اورسیده بود .

ترتیبات جنرال ( قوروپاتکین ) برای ( ۲ ) ماه ستمبر

در شام ( ۱ ) ستمبر جنرال ( قوروپاتکین ) به تول غند بخود این اوا مررا عطا نمود .

« قول تول غند ( ۱۷ ) در جوار ( سیقو آنطون ) به تعرض ژاپان مقاومت میکنند .

« قول تول غند نخستین سیبریا برای تعدید جناح چپ قول تول غند ( ۱۷ ) می رود .

« قول تول غند ( ۱۰ ) در ( ساقو طون ) بنخط دوم مدافعه بگجامیشود .

« غيرك غند ( اورلوف ) بحر کات قول تول غند نخستین مربوط شده جناح چپ این ترتیباترا سترو حمایه میکنند . »

— پلان هجوم جنرال ( قوروکی ) برای « ۲ » ماه ستمبر —

قوما ندان روس در وقتیکه در راه اخذ و تطبیق ترتیبات مذکور خود بيك دقت مخصوصه کوشش میور زید جنرال ( قوروکی ) ازین وضعیت مترددانه ترسناکارانه دشمن خود دلاورتر شده هماندم به تعرض

شدیده قرار داد .

پلان و نقشه مشار الیه عبارت ازین بود که بر جناح چپ روسها يك حرکت احاطه اجرا ، و بر جبهه يك هجوم شدیدة ایفا نماید .  
هجوم جبهه را غیرك غند ( ۱۵ ) لوی غند ( ۲ ) ، و حرکت احاطه را با تمديد غیرك غندا احتیاط (خاصه) از طرف راست لوی غند ( ۱۲ ) اجرا میگرد .  
غیرك غند ( ۳ ) لوی غند ( ۲ ) بطریق احتیاط عمومی در زیر دست خود جنرال ( قوزوکی ) میباند .

### مخاربه «سیقو آنطون» و [یه نتای]

روز ( ۲ ) - ستمبر چنان معلوم میشد که تاریخ وقوع يك مخاربه بزرگ میدان بشود . اما کارها در حقیقت حال بصورت بسیار خفیف و بسیطی گذران یافت .

لوی غند ( ۲ ) در حالی که در (سیقو آنطون) بمقابل قوه طلبه دشمن بهزار مشکلات بمقاومت کوشش میورزید ، لوی غند ( ۱۲ ) بر رفتار یک بسوی برای دوردادن جناح چپ روسها داشت دوام میورزید .

نهایت این لوی غند با غیرك غند جنرال ( اورلوف ) که جناح چپ قول تول غند ( ۱۷ ) راسترو محافظه میکرد تصادف نمود . این غیرك غند روس ، از روی ترکیب يك نمونه عبرت و غرابت عجیبی تشکیل داده بود . زیرا این غیرك غند از عسکرهای سواری و پیاده لوی غند ها و غند های مختلف بهم جمع آمده بود که يك نا آشنایی و نابلدنی عمومی در میان شان جریان داشت .

اینست که جنرال اورلوف با این قوه مجتمعه غیر متجانسه در روز اول ستمبر در جهت جنوب معدتهای ( یه نتای ) از موضعی که سر قوماندان به او

نشان داده بود یکقدری بیشتر اخذ موضع کرده بود .  
جنرال ( اورلوف ) بیشتر خیر گرفته بود کہ ژاپانہا تپہ ( چار شاخہ ) نام  
را کہ در نزدیکی موضع اوست ضبط کرده اند، و از عقب شان نیز عسکر بسیاری  
در آمدن و جمع شدن میباشد .

در روز اول ستمبر اولاً از طرف جنرال ( بیلده رلینگ ) در باب وضعیت  
عمومیہ و طرز حرکت و معاونت او یک محظرہ یعنی یادداشتی گرفته بود .  
تایماً از طرف سر قوماندان جنرال ( قور و پاتکین ) بہ این مضمون یک تلگرافی  
بہ اورسیدہ بودہ در امر عمومی کہ بہ تول غند داده شدہ است و وظیفہ شما اینست  
کہ اگر جنرال ( بیلده رلینگ ) بہ هجوم معروض نشود کوشش کنید کہ با او یکجا  
شوید ، و اگر بہ هجوم معروض شود ، جناح چپ او را مستر و محافظہ کنید .  
جناب ( اورلوف ) ازین تبلیغنامہ مضاعف ، و وضعیت عمومیہ ، و وظیفہ  
خصوصیہ خود را خوب نفہمیدہ مجبور شد کہ از ہر دو طرف باز ایضاحات  
طلب نماید . و پیش از آنکہ ایضاحات بہ او برسد در روز ( ۲ ) ستمبر بوقت صبح  
از قوماندان لوی غند ( ۳۵ ) یک نوطہ گرفت کہ با آن توطہ قوماندان مذکور  
اورا از مخاربه کہ در شب در انجا بوقوع آمدہ بود آگاہی میداد ، و چون  
صدای آتش طوپ و تفنگ نیز از ان سو بہ شدت شنیدہ میشد ، و می آئیہ بر  
گرفتار آمدن بہ مخاربه شدیدہ لوی غند مذکور حکم کردہ برای حمایتہ کردن  
آن قرار داد .

هنوز بقدر دو صد مترہ پیش تر فتنہ بود کہ از تپہ ہای ( تہ طون ) و ( چار شاخہ )  
بہ آتش شدید مقرر اصوار طوپچی ، و پیادہ معروض ماند . درین اثنا یک تلگراف  
دیگر سر قوماندان بہ اورسیدہ کہ با این تلگرافنامہ جنرال ( قور و پاتکین ) اورا تو  
صیہ و تنبیہ میکرد کہ در وقوع یک ناگاہ یابی بسیار کوچکی باتدایر بسیار بزرگی



حرکت بکند .

ساعت بعد از زوال به يك رسیده بود که وضعیت مفرزه جنرال ( اور لوف ) رفته رفته خراب و تهلکه ناک میشد . و چون از طرف چپ خود تهلکه دور دادن را نیز حس نمود هاندم امر رجعت را عطا نمود . اما در آشنایی که این حرکت برگشتن مفرزه جنرال ( اور لوف ) اجرا میشد ، ژاپنها بر تپه های ( یه تنای ) حاکم شده بودند ، و از آنجا غندهای رجعت کننده اور لوف را در زیر آتش بغلکی گرفت . غندهای مذکور بصورت درهم و پریستانی اتم سراسر از نظام و ترتیب برآمده بفرار آغاز نهادند . ( اور لوف ) برای جمع آوری آنها خیلی سعی و کوشش ورزید ولی همه همیشه بهیافت .

موسی الیه ( اور لوف ) در آشنایی که به این غوایل مشغول بود ، و سر غبرک غند شکست خورده کی او به قول تول غند نخستین سیر یار رسیده بود قوماندان قول تول غند جنرال ( شتا کلیرغ ) او را به نزد خود طلبیده بی آنکه حقیقت احوال را بخوبی بخود معلوم کند جنرال ( اور لوف ) را توبیخ و تکذیب زیادی نمود . و هاندم جبراً امر داد که قوماندانی غند ( ۲۱۵ ) را در عهد گرفته بی درنگ به پیش حرکت کند .

بچاره اور لوف ، در راه اجرای این امر بقایای الیمی گرفتار آمد . خودش بصورت سنگین مجروح گردید ، و غند نیز دست او که از قوماندان خود محروم مانده بود ندر زیر تاثیر آتش شدید دشمن قسم کلئی آن محو و پریشان گردیده باقیانده آن بصورت بر هم و درهم بر موضعی که غند های ( ۲۱۱ ) سیر یای شرقی در آن بودند انداخته شد .

در آشنایی که در ضرب این احوال جریان می یافت جنرال ( سامسونوف ) بکمال صعوبت به ایستاده کردن جناح راست ژاپنها کوشش می ورزیده بوقت

شام از طرف جنرال (شنا کلبرخ) برای کومک (سامسونوف) غندمشر (ژاپو لسکی) فرستاده شد. ولی هیچ فائده ازین کمک برای او نرسید. هر دوی این مقرزه در جوار (راه آهن) یکجا شدند.

جنرال (شنا کلبرخ) نیز بعد از آنکه بعضی تعرضهای بی اهمیتی اجرا نمود در تازیکئی شب بسوی (لیانیو) حرکت رجعت خود را بجا آورد.

واقعه (اورلوف) اگرچه بسیار مؤلم يك حادثه بود ولی باز هم روسها آنقدر کم قوت نبودند که از حرکت تعرضی بر ژاپنها عاجز باشند، بلکه دشمنی که در مقابل شان بود بدفعات در عدد از روسها کمتر بودند، و با وجود کمئی عدد بلای دیگر این بود که ژاپنها خیلی مانده و بیتاب، و بی خوراک و کم اسباب هم بودند، حتی برنجی که بهزار زحمت از اطراف تدارک شده بود خود تول غنم نخستین آنقدر مشغول گیر و دار بود که برای پختن آن وقت و فرصت نداشتند. لهذا برای پختن و رسانیدن آنرا بر خطهای شکاری تول غنم مذکور، یک قسمی از افراد سوارئی دوم فرستاده شده بود.

مع هذا با وجودیکه جنرال (قورویا تکین) غیر از تول غنمهای محارب خود بسی احتیاطهای قوتمندی را نیز مالک بود خود را خیلی ضعیف شمرده برای رجعت کردن ترتیباتی که لازم بود اجرا کرد.

### ( هجوم ژاپنها بر استحکام (سرپل) (لیانویانغ) )

در وقتیکه این وقایع در شمال گذران می یافت تول غنمهای (۳ و ۴) ژاپان مساعی مشترکه خودشان را بر استحکام (سرپل لیانویانغ) توجیه میکردند.

در صبح روز (۱) سنچیر، ژاپنها جزوتناهای خودشانرا سر از نوبه نظام و انتظام در آوردند. و نواقص از اقی وجبه خانه را اکمال کردند. و آنروز را

به استراحت و مانند کسی گرفتار خود که فوق العاده به آن محتاج بود تند بسر آوردند .  
 بعد از پیشین از سرتپه هائیکه پیش ازین از دست روسها ضبط کرده بودند و  
 طو بمخانه های خودشان را در آن موضع داده بودند از مسافت بسیار بزرگی بر مدافعین  
 (لیانویانغ) به بمبارد مان شدیدتی آغاز نهادند . این بمبارد مان تاثیر بلخی اجرا  
 نمود ، و حریقهای بسیار هولناکی در شهر بوقوع آورد .  
 در همین روز روسها بمجر و حها و جمارها و سنگین بار خود را باریل به نقل  
 دادن آغاز دادند . قول تول غندهای (۱ و ۳ و ۱۰) نیز از نهر (تایچو) گذر نمودند .  
 در (۲، ۳) ماه ستمبر لوی غندهای (۵ و ۶ و ۱۰) ژاپان بر جبهه جنوب هجوم  
 کردند . درین آستالوی غند (۳) ژاپان بسوی غرب شمند و قریبش میشدند ،  
 ولوی غند (۴) نیز از جفاح راست روسها را بحرکت احاطه بدوردادن میکوشیدند .  
 هجوم های مکرر پیاده ژاپان بانه ایعات عظیمه فوق العاده طرد و دفع کر  
 دید . حتی در یکی ازین هجومها غند (۲۰) لوی غند (۱۰) با جمله افسران  
 خود (۱۳۰۰) فر ضایع کرده بودند . ولی ژاپانها چنان عزم و اقدامی را  
 مالک نبودند که از هجومهای خود دست بردار شوند . و ازین بود که در شام  
 روز (۳) ماه همه مواضع روسها را بتمامها بقبضه ضبط و تسخیر خودشان در آوردند .

### { دور چارم } -

#### رجعت روسها

بنا بر وقایعی که در شمال گذران یافته بود جنرال (قورویانکیس) از خوف  
 ورعب حرکت احاطه ژاپانها در صبح (۳) ستمبر بر رجعت قرار داده است .  
 اولالوی غند (۵۴) در زیر حمایت لوی غند سوارای جنرال (سامسوتوف) ،  
 و قول تول غند (۳ و ۱۰) در زیر حمایت قول تول غند نخستین سبیریا ، و

در عقب آن قول تول غند (۱۷) بسوی شمال بحرکت رجعیة خود آغاز نهادند . قول تول غند (۴) برستروحمایه کردن مدافعین ( لیاثویانغ ) نامور بودند . بسببی که قطعات ژاپان به آخر درجه مانده و بیتاب شده بودند در خصوص عقب گیری روسها به سستی و بطاقت حرکت کردند . در روز (۴) صبح ستمبر جنرال ( زاروبایف ) بعد از آنکه همه چیز هائیکه حمل و نقل آن دشوار مینمود محو و تخریب کرد شهر ( لیاثویانغ ) را سراسر خالی کرده بود . پلها و خطهای تلگراف را نیز تخریب و احراق نمود .

وقتی که پیشدار های ژاپان در روز ( ۴ ) ستمبر بعد از پیشین به شهر ( لیاثویانغ ) درآمد شهر را کاملاً از روسها خالی یافت . ژاپانها روسها را عقب گیری نکردند . جنرال ( قوروکی ) نیز در ( آلتون ) مانده بود . ماره شال ( او یاما ) بمقصد خود تایل و کامیاب نگردید ، و از آنرو به این فتح و ظفر نمایان چندال ممنون و شادان نشده بود . زیرا مقصد ماره شال حاصل شدن نتیجه قطعی و ضربه آخری روسها بود .

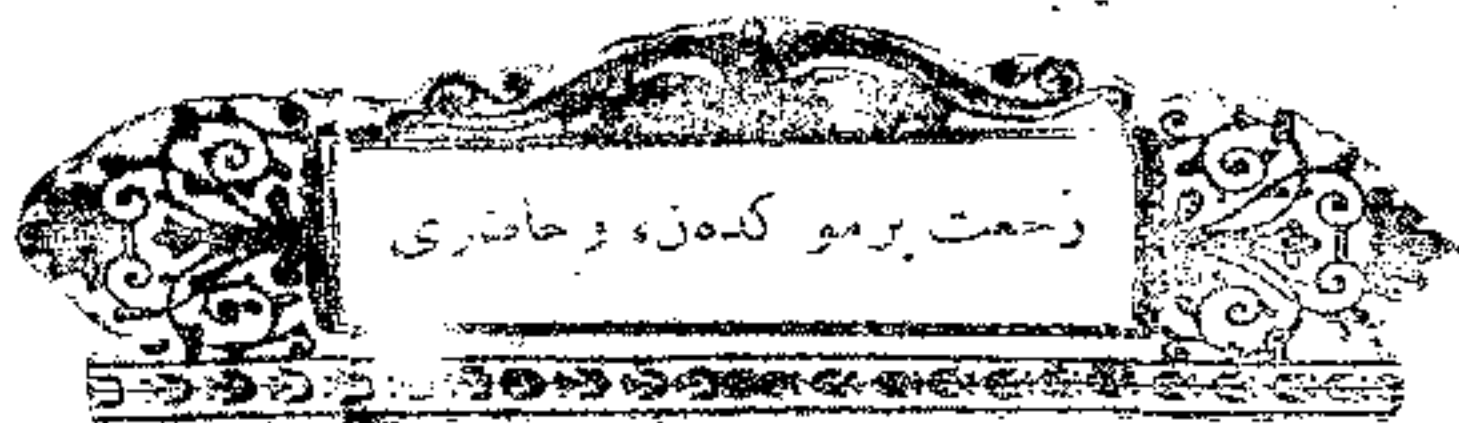
معنای این فتح و ظفر ( لیاثویانغ ) تاثیرات بزرگ مادی و معنوی برای ژاپانها حاصل کرده بود . چونکه اولاً قلعه ( پور آرتور ) را سراسر بحال انفراد در آورده از معاونت و امداد تول غند صحرای محروم کردند . ثانیاً نفوذ حاکمیت روسها را در ( مانچوری ) منکسر نمودند . ثالثاً عسکر ژاپان را اجسارت و دلاوری ، و روسها را نزدلی و شکسته خاطری حاصل آمد .

مقدار صحیح ضایعات مخاربه میدان ( لیاثویانغ ) را بصورتی که بتمامها تفصیل بدهد بیان کردن قابل نیست . مع هذا ضایعات طرفین را در میان صحرای و مقتول تابه ( ۲۱۵۰۰ ) نفر قبول کنیم از حقیقت خیلی دور نخواهیم ماند . ضایعات افسران طرفین ( ۱۳۶ ) مقتول و ( ۴۶۴ ) مجروح

قلمداد شده است . و چون مساوات و برابر بودن قوای عسکریه طرفین را نیز در مد نظر در آوریم ، این ضایعات واقعه در هر دو طرف يك برا بر دیده میشود .

عندك های طرفین نیز با هم برابر بود ، و در طرز فائده برداشتن از طو و نجاته ها نیز هر دو طرف يك رنگ بوده اند . که ازین اسبابها در باب مساوات ضایعات طرفین تا يكدر چه يك فکر صحیحی بدست آورده میشود .





### — محاربه میدان (شاحو) —

بعد از محاربه (لیا تویانغ احد) و شرايط حاضره برای يك حرکت تعقيب مڪمل خبلى مساعد و موافق دیده ميشد. على الخصوص موجو دبودن جنرال (قوزو كى) در پهلوى روسها، و وقع آنها اخبلى مشكل نموده بود.

مع هذا، ژاپاها حركت تعقيب را اجرا نكردند. آیا اینرا بر مانده كنى بسیار غالبین، یا بر كی بودنى جنبه خانه شان، یا امر اظت تدبیر و احتیاط - بر عسكرو ژاپانى حمل نمائیم؟ درین باب هیچ يك جواب قطعى داده نمیشد.

بهر صورت، باشد همینقدر معلوم است، ژاپاها عقب گیری نكردند و روسها بكمال آسوده كى و راحت رجعت کرده توانسته اند.

جنرال (قوزو ویا تكين) در اول اسرا كرا چه خواهش و آرزوى آنرا داشت كه در (مو كدهن) منتوقف نكرده بالاتر از ان بسوى شمال در موضع (سیه لينغ) كه پیش ازین آنرا تحكیم كرده بود، و بمتانت و محكمى معروف بود برود، ولى چون از طرف ژاپانها در عقب گیری خود دستى و آرامى مشاهده كرد ازین فكر خود صرف نظر كرده در جهت جنوبى (مو كدهن) برتوقف كردن قرار داد. و اینهم بفكرش رسيد كه این شهر بزرگ را كه مركز مقبره هاى خاندان حكمداران (مانچورىست) از دست دادن مخالف نقطه نظر پولنیک است، آمديم بر ژاپانها؛ باره شمال (اویاما) مفرزه هاى پیشدار خود در اتانخط

(بانیابوچا) که یکچند کیلومتره در شمال (لیانویانغ) است سوق کرده و آنجا توقف نمود. و در آنجا تمام ماه ستمبر را بمحکم بندی و تقویه کردن موضعهائیکه ضبط کرده بود، و امکان ضایعات فراد، و از زایق، و مهمات خود پسراورد. و بحقیقت که در ظرف اینمدت بقدر (۳۰،۰۰۰) تقریباً قوتی آمده به تول غند سیرا ژایان التحقاق کرده بود.

از اطراف جنرال (قورویا تکین) نیز با قول تول غند نخستین اورویا در (موکدهن) ملاقی شده بود، و غیر از آن قدمه های نخستین قول تول غند (۶) سیریا نیز رسیدن آغاز نهاده بود.

### پیدا شدن يك سراقسر دیگر در تول غند

#### روس

در تاریخ (۴) ماه ستمبر از طرف ائمه اطوار روس يك سراقسر دیگر در تول غندروس تعیین و مقرر شده تول غند را بر دو قسم و دو افسر تقسیم نمود. این سراقسر نو ظهور جنرال (غریبه نبرغ) نام داشت که بانام مخصوص خود را ائمه اطوار که برای او نوشته شده بود سراقسر دوم تول غند گردید. امرنامه مذکور چون شایان اهمیت بود عیناً در اینجا درج و نقل مینمایم:

« اوسقار غریبه نبرغ :

« درین حربیکه با ژاپان دوام مینماید بنا بر ثبات و عناد، و اوصاف دلیرانه که ژاپنها بکار میبرند مجبور شدم که برای معاضد کردن نتیجه قطعیه قوای عسکریه دار الحرب خود مانرا بیک صورت اهمیت ناکی تزئید نمایم.

« و چون به اینصورت قوای حربیه ما خیلی افزونی پیدا میکند از انروا که همه این قوای جسمیه در زیر یکدست حرکت بکنند در امر سوق و اداره آن

تکالیف بسیاری پیش می‌شود. پس برای آسانی مانوره و حرکات عسکریه، دوی مانچوری خود ما را برد و تول‌غند تقسیم کردم.

«تول‌غند اول در زیر اداره و قومانده جنرال (قورویاتکین) و تول‌غند دوم آن در زیر اداره و قومانده شامیباشد.

«لهذا امیدوارم که تول‌غند خودتان را بیکضورت، سعودانه نیکه بجزا های بزرگ و نامداری لایق باشد سوق و اداره بتوانید. بر حسن تجربیه و مهارت شما که در تعلیم و تربیه قطعات عسکریه حاصل کرده‌اید، ولیاقت و شجاعتیکه در اثنای حرکات حربیه نشان داده‌اید اعتماد من بر کمال و بردوام است.»

این امر امپراطوری جنرال (قورویاتکین) را از حرکت نفع ذواستقلالی که تا بحال داشت سراسر محروم ساخت. بلکه بزرگ اطاعت و اداره یک امر مستقل غیر مرئی معروض نمود. و به اینسبب صفت سر قوماندانی در یک ظلمت مشکوکه بماند. و بسببی که جنرال (غریبه نبرغ) با جنرال (قورویاتکین) بیک رتبه و یک قدمه رفیع و صعود نمود از آن و در مابین ایندو جنرال در رقابت و خصومت عظیمی کشاده شد.

در خصوص افزونی و تقویه تول‌غند (مانچوری) بایک فعالیت بزرگ و اعتدای سترگی دوام ورزیده میشد. در (۲۶) ستمبر قسم تمام شمند و فر بایقتل کامل گردیده برای سوقات عسکریه کشاده گردید. در عین همین تاریخ لوی‌غند قازاق (دون)، و غندک طوپ چینی (هاوان) (۴) لوی‌غند پیاده (۶۱) احتیاط باشمند و فر به (خاربین) سوق شده بود.

قول تول‌غند (۸) (اوده‌سا) نیز برای فرستاده شدن به اقصای شرق بحال سفر بر حاضر شده بود. قول تول‌غندهای (۴، و ۱۴) و (۵) غبرک‌غند شکاری برای سوق و اعزام شدن بدار الحرب حاضر شده بودند. یک تول‌غند



دیگر نیز در دست تشکیل بود .

ازین تدابیر و این فعالیت بخوبی معلوم میشود که دولت روس بشدت بر حرب دوام خواهد نمود . در حقیقت حال در روزهای آخرین ماه مستعبر تول غند (مانچوری) يك فعالیت بزرگی اظهار کرده بر ۶۰ جبهه محاربه های قراولهای پیش بوقوع آمدن گرفت .

با وجود آنهم باز برای وقوع يك صادمه عمومی هنوز هیچ يك اشارت و علامتی موجود نبود . درین اثنا یکی یکبار سر قوماندان روس تفوق عددی خود را که شرط اعظم مظفریت قرار داده بود حسن کرده ، اعلان نمود که تول غند روس بعد ازین از مدافعه به تعرض اقدام میکنند .

این اعلانی که از طرف جنرال (قورویاتکین) در (۲) اوکتوبر بتول غند (مانچوری) خطاباً نشر شده است بسببیکه از نقطه نظر فن سوق الجیش ، و پولتیک اهمیت عظیمه را وارد است در اینجا عیناً نقل مینمایم :

( بیاننامه )

« از روز یک دشمین بتصورت حالتانگانه در (پور آرتور) بر ما هجوم آورده تا به اینوقت زیاده از هفت ماه گذشته ، از اوقات بیخوابی و شهادت عسکرین روس خواه در بحر ، و خواه در خشکی حرکت بسیار در خدائی که در آن بحر و خشکی روسیه باشد اجرا کردند . اما با وجود آنهمه آشور سعی و فداکاری نمکن نشد که دشمن را بر خاک هلاک بیندازیم ، بالعکس ، آن عدد اکبره از افکار احرا از گردن مظفریت قطامیه يك آن هم خالی نماند .

« تا بحال قطعات تول غند مانچوری که قوه معنویه شان از حلال هر وقت بری و مصنوعات تفوق عددی را که تول غند های ژاپان را بيك هزیمت کلیه

دو چار ساز دستمحصال نتوانسته بود . و ازینست که در محاربه های (داشیچاغو) و (لیانئویانغ) محو کردن، و پریشان ساختن هجومهای ژاپان را موافق مصالحت ندیده بودم .

« و وضعهایی را که بصورت بسیار قهرمانانه مدافعه کرده اید با دشمنان پروملو ساخته خالی گردید . و بی آنکه از طرف دشمن بر دسر به بینید و بصورتیکه همیشه بر محاربه های نو و مدعی مقتدر باشید رجعت گردید .

« اینست که شما بعد از (۵) روز محاربه ، و بعد از آنکه در پیشگاه (لیانئویانغ) دشمن را بضایعات کثیره دو چار ساختید بموضع پیش از آن که باران آید . و او بودم رجعت گردید . هنگامیکه امر این رجعت را بشما میدادم خیلی متأثر و دلخون میشدم ، اما چه چاره که بدان این امر مجبور بودم . زیرا ما به این حرکت عقبه کشی به قوای امدادیه و وسایط حربیه که برای ما فرستاده میشد تقرب میتوانستیم ، و من ازین یکتا خاطر جمع بودم که برای دستمحصال یک مظفریت قطعه لابد بهمین طور حرکت کردن لازم میآید .

« حال آنکه درینوقت بسایه امپراطور ما قوای عسکریه ما که برای حرب ژاپان تخصیص شده بدرجه که بصورت قطعی مظفریت بخش باشد افزونی گرفت . صدها هزار انسان هزارها عرابه ها و اسبها ، بمیلیونها خیره وار زای از مسافه (۱۰) هزار و درست از هفتماه به اینطرف لاینقطع در زمین مانچوری در جریانست . و این جریان که از قطعه اروپای روسی و سیبری جاری شده است روز بروز تزئید شدت و سرعت کرده برای مادر (مانچوری) یکتا قوت بزرگ ، و یک منبع حیاتی تشکیل میدهد . و اگر اینهم کفایت نکند هنوز دیگر قوتها خواهد آمد . ما هم برای غلبه کردن بر خصم خود که آرزوی یگانگی حکمدار ماست هر چه بادا باد گفته فدای نفس میکنیم .

« تا بحال دشمن ما بسبب تفوق عددی ، و وضعیت دایروی خود که بر ما محیط بود آزادانه و بوجه دلخواه خود اجرای حرکت کرده بود ، چونکه برای هجوم کردن بر ما خواه در انتخاب وقت ، و خواه در استقامت حرکت تماماً آزاد بود ، اما امروزه روز ساعتی که از بسیار وقتها آن را بیک انتظار الهی منتظر بودیم رسید !

« یلی عسکرها ! بعد ازین نوبت پیش روی از ماست ، حالاً زمان آنست که ژاپنها را به آمل و مقصد خود مطیع سازیم ، چونکه قوایم موجوده نول غند ما نچوری برای این امر درین وقت بلغ ما بلغ کافیست ، لهذا وقت آنست که از مدافعه به تعرض درائیم ؛

« با اینهم ، هیچ فراموش نباید کنید ، که برای غلبه کردن بر يك دشمن عنود قوی و جسور تنها تفوق عددی کفایب نمیکند ، بلکه با این تفوق میباشد که همه اجزای مترکبه نول غند یعنی — از افسران گرفته تا به آخرترین افراد همه شان بهمین آرزو و امل باشند که احراز موفقیت کنند و از هیچگونه فداکاری روگردان نشوند .

« یکبار فکر کنید که روسیه به این مظفریت تا به چه درجه محتاجست و علی الخصوص این را هم هیچ فراموش نکنید که مظفریت مذکور برای ما چقدر مهم يك مسئله ایست ، زیرا ما میباشد که تا ممکن باشد در يك مدت بسیار کمی برا دران خود را که در قلعه ( پور آرتوز ) از هفتماه به اینطرف بيك جساتی که شایان حیرت ، و برای تمام روسیه ، و جب شرف و مفضلتست مدافعه میکنند برهائیدن مجبوریم .

« عسکرها ! این يك را هیچ يك ساعت هیچ يك دقیقه از خاطر نبرارید که مقصد از آمدن شما در اینجا محض از مدافعه کردن و محافظه نمودن نفوذ و اقبال

دولت روس است در اقصای شرق که آنهم یگانه امر و آرزوی حکمدار  
محبوب ماست !

« ذات حشمتیهات امپراطوری بر شما يك توجه و اعتماد بزرگی دارد  
شما برای اثبات کردن اینکه به این توجه عظیمه بحق لایق هستید در راه محام  
غظه کردن شرق و ناموس سلاحهای روس که بدست شما داده شده است در  
عزیمت نفدای نفس حاضر بشوید !

« سر قوماندان همه روسیه حضرت امپراطور ما ، با همه مملکت و تبعه صا  
دقه خود متحداً برای ، ظهر حمایه صمدانی شدن ما بدعا مشغول است ، و برای  
، اقوای متهدیه فرستاده فتح و ظفر ما را نیاز میکند .

« ما هم ، بیاید که ازین دعاهای مقدسه امپراطور خود معاونت طلبیده و  
همه خون خود را فدا کرده سعی و غیرت خود ما را با تاج مظفریت تتویج نمایم و  
بعد ازین دایما بلا تا خیر به پیش برویم !! »

این يك از قوانین ابتدئی سرق الجیش است که تشبیه و حرکتی که بردشمن  
میشود آنرا میباید که خیلی پنهان گرفته شود . حال آنکه جنرال ( قور و  
پاتکین ) که يك تول غند بزنگ چند صد هزارى را بدوش حمیت و صرفان  
خود برداشته ، همه افکار و اسرار ذاتیه خود را خود بخود به اینصورت بدشمن  
اعلان و اشاعه کردن از وقایع حمیرت انگیز است که شایان حمیرت و عبرت است .  
دیگر اینکه مشارالیه درین بیان نامه خود بیشتر از تدابیر بر تمفیات و دعاها استناد  
کرده ، در میان آن همه عیارات و ضرورانه باز از نا کامیای خود خیلی بخوف  
و اندیشه بودنش مانند آفتاب ظاهرو آشکار مانده است .

با وجود اینهم ، این جرأت و قرار نا کھائی جنرال ( قور و پاتکین ) بر  
حرکت تعرضی در میان تول غند يك نشانه و ضرور بزرگی را موجب شده همه

افراد اردو گاه بيك جوش و خروش فكر تعرضى آمده هر كس يك ان اول  
در ظرف دو ساعت به امر هجوم و تعرض منتظر شده اند .

### وضعيت (۲) اوكتوبر

درين تاريخ وضعيت تول غند روس از ينگر ار بود :

در زير اداره جنرال ( قور، يا تكين ) ( ۹ ) قول تول غند، وجود بود :  
اولاً: قول تول غندهاى ( ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ ) سيبريا ؛ و قول تول غند  
هاى ( ۱۰، ۱۷ ) اوروپا كه صورت تركيب و تشكيل آنها پيش از اين بيان شده بود .  
ثانياً: در زير اداره جنرال ( مه به تدورف ) قول تول غند نخستين او  
روپا كه از يقطعات مركب بود :

لوى غند ( ۲۲ ) بياده با ( ۶ غندك طوپ ) ،

لوى غند ( ۲۷ ) بياده با ( ۶ غندك طوپ ) ،

كندك ( ۱ ) كندن كار سفر مينا ؛

ثالثاً: در زير اداره جنرال ( سو يو لوف ) قول تول غند ( ۶ ) سيبريا

كه از يقطعات مركب بود :

لوى غند ( ۵۵ ) بياده احتياط با ( ۶ غندك طوپ ) ،

لوى غند ( ۷۲ ) بياده احتياط با ( ۶ غندك طوپ ) ،

و ( ۱ ) كندك كندن كار .

رابعاً: در زير اداره جنرال ( ربه نه نعامف ) لوى غند قازاق ( ترانس بايقال ) :

غبرك غند ( غره قوف ) :

غند ( ۲ ) « ووه ركنه اودينسق » ،

غند ( ۲ ) « چيتا » ؛

- غبرك غند ( لی یوباوین ) :
- غند ( ۲ ) « نه رچنسق » :
- غند ( ۲ ) « ارغون » ،
- غندکهای طوپ ( ۳ ، ۴ ) « ترانس بايقال » :
- خامساً : در زیر اداره جنرال (غره قوف) لوی غند قازاق (اوره نیورغ) :
- غبرك غند ( هر دمان ) : مرکب از غندهای ( ۹ ، ۱۰ ) :
- غبرك غند ( دولما چین ) : مرکب از غند های ( ۱۱ ، ۱۲ ) ،
- غندك طوپ های سواری ( ۱۱ ، ۲۰ ) .
- سادساً : در زیر اداره جنرال ( سامسونوف ) لوی غند قازاق سیبریا :
- غبرك غند « بومفارتن » : مرکب از غند های « ۴ و ۷ » ،
- غبرك غند « طوماتف » : مرکب از غند های « ۵ و ۸ » ،
- غندك طوپ های سواری « ۵ و ۲ » .
- سابعاً : در زیر اداره جنرال (میچونه نقو) غبرك غند قازاق ( ترانس بايقال) :
- غند ( ۱ ) « وه رکنه اودینسق » ،
- غند ( ۱ ) « چیتا » ،
- غندك طوپ سواری ( ۱ ) « ترانس بايقال » .
- ثامناً : در زیر اداره جنرال ( پرنس اوربلیانی ) غبرك غند سواری  
( قافقاسیا ) :
- غند ( ۳ ) « طا غستان » ،
- غند ( قوبان ته راک ) ،
- ثامناً : غبرك غند قازاق « اورال » ایضاً در زیر اداره جنرال مذکور :
- مرکب از غندهای ( ۵ ، ۴ ) .

قطعات سوارتی که بقول اردوها مربوط بود ازین قرار است :

به قول تول غند نخستین سیبریا : از قطعات محافظ حدود (۴) طرف ،  
 بقول تول (۲) سیبریا : غند قازاق ( اور )  
 به قول تول غند (۳) سیبریا : غند (۱) ( ارغون ) ، و غند (۱) ( اوسوری )  
 به قول تول غند (۴) سیبریا : غندهای قازاق (۳) و (۶) و (۹) سیبریا ،  
 به قول تول غند (۶) سیبریا : غند قازاق (۱) ( اور و نیورغ )  
 به قول ( تول غند (۱) اوروپا : نیم غند قازاق اوسوری :  
 به قول تول غند (۱۰) اوروپا : یک غند قازاق اور و نیورغ .  
 به قول تول غند (۱۷) اوروپا : غبرک غند مستقل سوارتی (۲) .  
 جمع همه تول غند روس بقدر ( ۲۰۰۰ ، ۰۰۰ ) هزار نفر بود که ( ۱۳۰۰۰ )  
 آن سوارتی بود . و بقدر ( ۹۰۰ ) طوپ در آن بود .  
 تول غند ، در ساحل راست نهر (قو هن هو) ، و در اطراف (مو کدهن) دو  
 مابین ( فولهن ) و ( فون شون ) تجمع کرده ، و از طرف سوارتی باین صورت  
 ستروحمایه کرده شده بود :

در پیش همه : دره ، وقع ملاقی شدن نهر (شیلی جو) با نهر (شاحو) جنرال  
 (میچه نغو) با غبرک غندهای سوارتی (تراقس بايقال) و (قافقاسیا) ؛  
 در جناح راست : در مابین (هون هو ، و ، لیان هو) لوی غند جنرال (غره قوف) ؛  
 در جناح چپ : لوی غند (سامسونوف) ، و در منتهای این جناح پرام  
 (فوشون) و کدرگام (تاله نغ) لوی غند (ره نه نقامغ) به اجرای سیر و حرکت  
 مامور بودند .  
 این ( ۱۰۰۰۰ ) سوارتی روس در پیش روی تول غند خود بمقابل سوا  
 رتی ژاپان یک پرده بسیار کلفت و کثیف تشکیل کرده بود .  
 در نقطه های ۴۰ نهرهای (هون هو ، و شاحو) که قابل تجاوز بود بعضی

استحکامات هم انشا کرده شده بود در شمال شهر (موکدهن) بر نهرهای که راه آهن و جاده (ماندارین) را قطع کرده بود نیز بعضی تریبات استحکامیه اجرا شده بود .

### وضعیت تول غند ژاپان

ژاپانها موجود حقیقی هر يك از تول غندهای سه گانه خودشان را اکمال کرده بودند ، و ساحل جنوبی نهر (شیلی حو) را اشغال کرده بعضی آثار استحکامیه مهمه نیز بوجود آورده بودند ، صورت ترکیب وضع الجیشئی این سه تول غند ژاپان در (۲) اوکتوبر ازینقرار بود :

اول -- تول غند نخستین جنرال (قوروکی) همه دره ها و کپیدهاییکه بر راهائیکه از شرق و شمال بران آمده توانسته میشد ، و در مابین معدنهای (یه نتای) و (به نسیقو) بود محافظه کرده ، و موقع (بانیاچو) را در زیر استیلای خود داشته ترکیب آن به اینصورت بود .

لوی غند (خاصه) ،

لوی غند (۲) ،

لوی غند (۱۳) ،

يك غبرك غند مستقل سواری ،

(۵) غبرك غند احتیاط .

دوم — تول غند (۴) جنرال (نوزو) که در جهت جنوبی معدنهای (یه نتای) بود ، ترکیب آن ازینقرار است :

لوی غند (۵) ،

لوی غند (۱۰) ،

يك غبرك غند احتیاط .

سوم — تول غند (۲) جنرال (اوقو) نیز در جنوب معدنهای (یه نتای)



برجاده (ماندارین) حاکم ، و از جهت ضرب تابه نهر (هونهو) عمد شده به این ترکیب بود :

لوی غنند (۳) ،

لوی غنند (۴) ،

لوی غنند (۶) ،

یک غبرک غنند مستقل سواری ،

یک غبرک غنند مستقل طوپچی ،

( ۳ ) غبرک غنند احتیاط .

بهر یکی از این تول غنند ها از قرار ذیل یک یک راه خط اتصال خصوصی نیز تعیین و تخصیص شده بود :

برای تول غنند ( قوروکی ) راه ( فنج هو افغ شنج ، — ویچو ، — شه موایو ، — ) تخصیص شده بود که یک قسمی ازین راه یعنی از ( آنچو — ویچو ) تابه ( فنج هو انشنج ) با خط راه آهن نیز تفریش شده و قطار هایه رفت و آمد آغاز نهاده بود .

برای تول غنند جنرال ( نوزو ) راه « قایچه او — تالیه ن وان » ،  
برای تول غنند جنرال ( اوکو ) راه ( هایچه نغ — اینکو ) تخصیص شده بود .

مجموع قوای عسکریه ژاپان بقدر ( ۱۶۱۰۰۰ ) بود که ( ۵۰۰۰ ) ان سواری بود ، و بقدر ( ۶۰۰ ) قطعه طوپ را تول غندهای ژاپان مالک بود . حال دیده میشود که فرق ژاپانها و روسها از روی عدد درجه که شایان دقتست پدیدار میباشد . اما با وجود آنها جزو نامهای قطعات ژاپان هم از روی عدد ، و هم از نقطه نظر ضبط و ربط عسکری بر خصم خود فایز میشوند .

و غیر از این بسببی که تا بحال هر مخاربه مطلق بیک رجعت و مغلوبیت منجر شده بود یک اعتقاد بدینشی در دلهای عساکر روس علی الخصوص در دلهای افسران تول غنند انداخته بود که این فکر و اعتقاد قوای معنوی تول غنند را خیلی ابرنموده یک عنصر اضمحلالی تشکیل داده بود .

### — احوال اراضی میدان مخاربه —

اراضی که در مابین ( موکده ن ) ، و « لیائویانغ » بقدر ( ۶۰ ) کیلو متر ممتد شده است ، در صورت عمومی بآبسی جو پهاوناله هائیکه از شرق بغرب جاری شده رفته است اسقاد و آبیاری میشود .

این جو پهاوادیهای تنگ و چقوری تشکیل میدهد که در مجراهای بالائی آن بمضی سدها و مانع های طبیعی بوجود آورده که مدافعه آن خیلی آسانی پیدا کرده است .

انهار مذکوره عبارت از « هو نهو » ، و « تاپچه هو » ، و « شاحو » ، و « شیلی هو » میباشد ، نهرها و قتیکه در دشت میرایند مجراهای شان وسعت و فراخی پیدا کرده است که ازین سبب جاده ماندارین ، و خط شمند و فر بسبب تقاطع این نهرها ( دار الحركات ) را بر دو منطقه که جدا جدا خواص را جاهت جدا کرده است .

اول ... منطقه شیکه در غربت ، بصورت تبدیل مجرای آنها شکل گرفته و از یک دشت برکن و دلیل عبارتست . در اثنا شیکه باران زیاد بسیار در اینجا رفتار و حرکت خارج امکانست . مع هذا در منطقه ده های بسیار مستحکمی که نقاط مکمل استناد تشکیل بدهد موجود است . منروعات این دشت از جواری و باجری عبارتست .

دوم — منطقه شرق است که کوهستان میباشد. این منطقه باپسی راه های وادی و دره و شیله منقطع است .

جنرال ( قورویا تکین ) برای ( ۵ ) اکتوبر امس یک به تول غند خود داده ، ان امس تول غند روس را در اول امس بر سه ( گروپ ) تقسیم کرده است :

اول ( گروپ غرب ) : در زیر قومانده و اداره جنرال ( سیدیه رلینغ ) که قوماندان قول تول غند ( ۱۷ ) اورویاست . این ( گروپ ) مرکب از قول تول غندهای ( ۱۰ ، و ۱۷ ) اورویا ، و بعضی اقسام قول تول غند ( ۵ ) سیریا بود .

دوم گروپ شرق : در زیر قومانده جنرال ( شتا کلبرغ ) که قوماندان قول تول غند نخستین سیریا است . این ( گروپ ) مرکب از قول تول غندهای ( ۱ ، و ۳ ) سیریا ، و بعضی اقسام قول تول غندهای ( ۲ ، و ۴ ، و ۵ ) سیریا و لوی غند های قازاق سوارتی جنرال ( ره نه نامف ) ، و جنرال ( سامسونوف ) بود .

سوم ( گروپ احتیاط عمومی ) بود که رأساً در زیر اداره خود جنرال ( قورو پاتکین ) که سر قوماندان کل است . این ( گروپ ) مرکب از قول تول غند ( ۱ ) اورویا ، و قول اردوی ( ۶ ) سیریا ، و بعضی اقسام قول تول غندهای ( ۲ ، و ۴ ) سیریا بود .

استقامتهای عمومی شبکه بر گروپها نشان داده شده بود اینهاست :

برای ( گروپ غرب ) : ( موکدن — لیا ئویانغ ) .

برای ( گروپ شرق ) : ( فوشون — په نسیقو ) .

برای ارتباط این دو ( گروپ ) لوی غند جنرال ( بیچه نقو ) و غیره غند سوارتی ( ۳۱ ) ما مور شده بود . این مفرزه هائیکه فرستاده شده بود به مفرزه هائیکه جناح های تول غند ژاپان راسترو حایه میکرد در حال تماس کرده بود . آمدیم بر ژاپانها : قسم کلئی قوای عسکریه ژاپان در کجا و بچه ترتیبات

اخذ موقع کردن شان معلوم نبود . مع هذا از وقایعی که بعد از آن رفته رفته معلوم گردید چنان استدلال میشود که قسم کلنی تول غندهای ( ۲ و ۳ ) ژاپان در برابر فی ( به نتای ) بیک وضعیتی که بر جاده ( مان دارین ) و خط راه آهن حاکم باشد موجود ، و قوت های تول غند نخستین در جوار ( به نسیقو ) و جهت غربی این موقع بوده باشند .

نظریه این ترتیبی که سردار روسی گرفته ، و استقامتهای ابتدائی که بدو قسم خود داده چنان معلوم میشود که برین یک حکم کرده بود که جبهه دشمن خیلی فراخ است ، و از آنرو به این فکر افتاده بود که تول غند ( قوروکی ) را که در شرق ( به نسیقو ) فرض میکرد بیک صورتیکه از تول غندهای ( اوکو ) و ( نوزو ) جدا کند جبهه مذکوره را از هم بشکافد .

جنرال ( قوروپاتکین ) بسایه احتیاط قوتناکی که با خود داشت میتوانست که در وقت فرصت هم کار ( قوروکی ) را سرانجام نماید ، و هم بقل های اردو های ( اوکو ، و نوزو ) را گرفته بتواند . مع هذا پس آنها بخوبی معلوم گردید که در حقیقت حال فکر جنرال روسی این حرکات و تشبثات کار آمد و نافع نبود . زیرا نظر به اقوال بسیاری از شاهدان متحد الیمان بی عرض معلوم گردید که مشارالیه ( یا کروپشتاکلبرغ ) بچاتییدن جناح ژاپنها ، و قطع کردن اتصالات ( سایاماچو ) و ( فنغ هوانغشنگ ) آنها را تصور کرده بود .

ازین مانوره سردار روسی هیچ ندانستیم که چه مقصد منظور داشت . چونکه مانوره مذکور اگر بموفقیت نتیجه پذیر هم گردد نتیجه حاصله آن بجز اینکه ژاپنها را بر خط اصلی اتصالات خود بپندارد که ثمره حاصل نمیکرد .

بهر صورت جنرال ( قوروپاتکین ) ازین مانوره ثقلت مرکز خود را بسوی شرق یعنی — به اراضی کوهستانی که قبل ازین بیان کردیم میانداخت که

این ہمہ برای روسها يك كار خيلى نامساعدى شمرده ميشده، زيرا آنها اولادى جاهاى كهسار بقدر ژاينها بر مانوره غير مقتدر بودند، وهم طوپچنى خفيفى را كه در چنين جاها بسيار كار مى بيند كتر مالك بودند .

وهم غير از اين مشار اليه قول تول غنדהا، لوى غنדהا، غيرك غنדהا غنذك طوپهاى خود را سر اسر بيك وضع خود كرده اند و وضع و ترتيب كرده باينصورت ارتباط تعبيه نيكد در مابين جز و نامها موجود بود بر هم ميزده . مثلاً قول تول غنذ (۵) سيبريازا بر سه، پارچه ، و قول تول غنذ (۴) سيبريازا بر دو پارچه و قول تول غنذ (۱۰) اوروپا را نيز بر دو پارچه جدا كرده بود كه اين خطاهاى شايان تأسف اودر محاربه ميدان (۰ و كدون) از ينهم ياشتر تكرر كرده آخر الامر از سبب اين خطاهاى خود در دست سر قوماندان تول غنذ روس هيچ يك جزو قامى باقى نمانده در مقابل دشمن عالم بر قنون باعزم خود صفر اليديماند . والحاصل جنرال (قوروپا تكين) يك قوماندان مانوره شناس باعزمى نبود والسلام .

### مخاربه

مخاربه ميدان (شاحو) از (۹) اوكتوبر تا به (۱۸) آن دوام ورزيده مركب از يك سلسله محارباتيست كه با همديگر چندان ارتباطى ندارد . مع هذا ماين محاربه ميدان را ابتدا بر سه صفحه تفريق ميتوانيم .

اول — از (۴ تا به ۹) اوكتوبر بر رفتار عرضي روسها ؛

دوم — هجوم روسها بر موضعهائى ژاينها، و هجوم مقابلى ژاينها، و از (۱۰ تا به ۱۳) اوكتوبر رجعتهاى روسها بر (شاحو) .

سوم — از (۱۴ تا به ۱۸) اوكتوبر هجومهاى بى هم ژاينها بره و اضع (شاحو)

### صفحه اول مخاربه

روسها حرکت تعرضیه خود شان را از چارم از اکتوبر آغاز نهادند. در غرب جنرال (بیلده رلینغ) (کروپ) خود را آهسته آهسته به پیش روی سوق داده در (۹) اوکتوبر بخط (شیلی هو) واصل شد.

در شرق، کروپ (شتاکلبرغ) بر سه قول به اینصورت پیش میبرد:

در راست، قول تول غند نخستین سیبری، ولوی غند (۵) شکارئی سیبری،

و قول تول غند (۲) سیبری بر (پانیاپوچا) سوق شدند.

در مرکز، قول تول غند (۳) سیبری، و یک غبرک غند از قول تول غند (۴)

یکسر بسوی (وی نیون) رفتار نمودند.

این دو قول بایک پیشدار عمومی که از قول سوارئی (سامسونوف) مرکب

بود تقدم میگردند.

در چپ جنرال (ره نه نقامف) بر (سی یانچیاچو) یکسر پیش میبرد. این

جنرال غیر از لوی غند سوارئی خود بیک مفرزه قوتناک پیاده نیز مالک بود.

در (۸) اوکتوبر قازاقهای جنرال (سامسونوف) در جنوب (پانیاپوچا)

باقر اولهای پیش ژاپان تصادف کردند. بنا برین (سامسونوف) از دره (قوا

یلنغ) گذر کرده در نزدیک (سی یانشانچو) باقر اولهای پیش ژاپان بهم برخورد

که پیشدار قول تول غند سیبری نخستین نیز در عین زمان بر قر اولهای مذکور

ژسپال در هجوم کردن بود. و نیز در همین روز یعنی - در (۹) اوکتوبر قول

تول غند (۳) سیبری به (قواونچو) واصل شد، و از جهت چپ پیاده (ره نه

نقاف) ارتباط پیدا کرده در شرق (په نیقو) بر استحکامهای ژاپان به هجوم

بردن حاضر شدند.

سوقو ماندان روسی در مابین کروپ (بیلده رلینغ) و (شتاکلبرغ) مفرزه

را ۵ برای پیدا کردن ارتباط ماء و ز کرده بود عدم کفایت آنرا دیده تقویه کردن آن را لازم دانست .

به اینصورت در (۹) ماه تول غنند روس از (شبلی هو) تابه (وی نیونین) بريك جبیه (۵۰) کیلومتره فی محدود شده بود که محل نزدیک مرکز آن نقطه ضعیف ترین آنرا تشکیل مینمود .

ماره شال (اویاما) این چال بازمی خصم خود را با تمام اسرار و تفرعات آن گشفت کرده جنرال (قوروکی) را بایک قسمی از تول غنند آن بر محافظه جناح راست خوده امور نموده، قسم کلئی تول غنند مذکور را برای یک تعرضی شدت ناکی بسوی غرب یعنی — به نزدیکهای جاده (ماندارین) برد .

در وقتیکه ماره شال این پلان خود را اجرا میکرد جنرال (قوروکی) تنها لوی غنند (۱۲) خود را برای ترصد گذاشته، ولوی غنند (خاصه) ولوی غنند (۲) خود را در شرق معدنهای (به نتای) وضع نموده بود، و در پشت آنها (ب) غبرك غنند احتیاط خود را موجود داشت با (۲) غبرك غنند احتیاط دیگر جوار (به اسپتو) را استیلا کرده بود .

### ( صفحه دوم محاربه )

بنا بر ترتیباتی که ذکر شد صفحه دوم محاربه یعنی — هجوم روسها بره وضعهای

ژاپان سبب سه سلسله محاربات جدا گانه گردید :

یکی، در مابین گروپ (شتا کلبرغ)، و تول غنند (قوروکی) محارباتیکه در منطقه کوهستان جریان یافته، دیگر در مابین گروپ (بیلده رلینغ) و تول غنند (اوقو)، و محارباتیکه در داخل دشت بوقوع آمده، سوم در مابین گروپ ارتباط، و تول غنند (نوزو)، محارباتی که در مرکز اجرا گردیده .

(گروپ شرق شتا کلبرغ) . - : وقتیکه پیاده سبیریا باقرا و له‌های پیش ژاپان تماس حاصل کرد، وظیفه لوی‌غند سوارئی قازاق بختام رسید یعنی - جنرال (شنا کلبرغ) بزعم خود این چنین حکم کرد! - از آن روز (۱۰) ماه جنرال (سا مسونوف) را در زیر اداره قول تول‌غند (۳) داد. بعد از آن جنرال مذکور که بمدا فعه دره (وی نیونین) مأمور شده بود در زیر امر و اداره جنرال (رته تقامف) که قوماندائی تمام صنف سواری به او تودیع شده بود درآمد .

در روز (۱۱) جنرال سا مسونوف با قسم کلئی خود از شهر (تایچو) گذر کرده با جنرال (لی بویاوین) التحاق نمود .  
ژاپانها چون رفته رفته مزاید کردن قوای عسکریه روس را درین جهت دیدند، هاتدم جهت مذکور را بایک چند تولی که در ساحل جنوبی داشتند بچابکی تقویه کردند .

روسها درین اثنا (۴) قطعه طوپنی که با خود داشتند به نظام طوپ خانه در آورده بر تولی های ژاپان که از پل تأسیس داده کی خودشان گذشته به امداد می آمدند آتش کردن گرفتند . و به اینصورت گذشتن ایشان را از پل مانع شدن خواستند . اما جای تعجب است که این فکر را نکردند که پل را در اول امر ضبط کنند، و یا اول به انداخت گله پل را خراب سازند .

حالا نکه اگر چنان میگردند برای خودشان خیلی خوب میشد . زیرا باینصورت از تهدید پیاده دشمن رهایی یافته با طوپ های موجوده خود خطوط تدافعی شرقی « به نسیقوه » را از پشت کوبیدن می گرفتند .

در چنین وقت کار، سوارئی روس تنها به غایب نکردن موضعهای خود شان اکتفا ورزیده به هیچ مدا فعه تشبث نمیدادند . اما ژاپانها برای رهایی



یافتن ازین دشمن موی دماغ به اجرای مانوره های مفیده ، و گرفتن ترتیبات ناقصه مشغول بوده ، روسها بعکس آن غیر متحرک بودند .

در روز « ۱۲ » ماه یوقت صبح وقتیکه روسها میخواستند باز آتش بکشا یند يك غنڈك طوپ ژاپان که در ساحل راست نهر «تایچو» اخذ موضع کرده و انداخت خود را بر طوپ های روس تنظیم داده بودند بشدت آتش کردند . در عین زمان خبر پیش آمدن قوت های مهم ژاپان بر استقامت جنوب روس هارسید که این قوت عبارت از مفرزة سوارئی غنڈ مشر برنس «قائین» و بعضی قطعات لوی غنڈ « ۱۲ » بود .

سوارئی روس بمجرد دیدن این قوت هیچ درنگ نکرده یکسر بسوی غرب درکشیدند ، و به رفتن ساحل راست نهر «تایچو» قرار دادند . بعد از کمی برنس «قائین» ژاپانی ، میترا لیدوز های خود را بحال بطریقه وضع کرده بر غنڈك غنڈ پیاده که از طرف جنرال «ر. نه ناقف» در ساحل راست نهر [تایچو] برای احتیاط گذاشته شده بود آتش کشاد ، و غنڈك غنڈ مذکور را بچنان ضایعاتی دوچار گردانید که در ظرف کم مدت بقدر [ ۶۰۰ ] نعش در میدان گذاشته و قطعات خط اول خود را گشان گشان از زیر آتش دشمن کشیده به ترك کردن موضع مجبور گردید .

مخافظ جسورده [په نسیقو] جنرال قوروکی چون به اینصورت از تضییق دشمن رهایی یافت هاندم بحرکات دلیرانه و مانوره های ماهرانه تشبث ورزیده حرکات پیش آمدن قول تول غنڈ نخستین سپریارایز در پیش گاه دره های [طومین] ، و [چاوسان] به توقف دادن موفق و کامیاب آمد .

اینست که [گروپ شرق] جنرال شتا کلبرخ عمر انقدر دست و پایی که برای هجوم زد در پیش مانوره های استادانه جنرال [قوروکی] از هر طرف بر جهت

منجر گردید .

با وجود اینکه [شتاکلبرغ] هنوز میخواست که يك همت فوق العاده دیگر هم نشان بدهد ، اما چه چاره که ژاپنها در هر طرف خود را تقویه داده و هیچ مجال فرصت برای او نگذاشته بودند ، و از طرف دیگر سر قوماندان جنرال « قورویا تکین » نیز او امر شدیده رجعت را برای او میفرستاد که در زیر این دو امر مجبوری بضرورت بمقیب کشیدن بسوی شمال مجبور گردید ، مفرزه جنرال « رونه نقاف » نیز بالطبع به این حرکت او امتثال ورزید .

در وقتی که این وقوعات در مابین گروپ شتاکلبرغ ، و تول غند قورویا بوقوع می آمد ، آیا در دیگر اقسام میدان مخاربه چه چیزها بر روی کار آمده باشد ؟ برویم ببینیم !

« گروپ غرب بیلده رلینغ » . — در جهت غرب گروپ جنرال « بیلده رلینغ » در « ۱۰ » اوکتوبر در جنوب « نیلی هو » تقریباً نابه « ۵۰ » کیلو متر پیش آمده بود ، و قریه های « نادوسامیه » ، و « اولیتایچو » را در زیر اشغال و استیلای خود گرفته بود .

بفکر سر قوماندان روس این بود که این گروپ ، يك نمایش عادتى درین طرف نشان داده اصل هجوم را آن دو گروپ دیگر از پیش ببرند ، حال آنکه این تصور آینه ، مثال او را یک وقتی سر قوماندان ژاپان در خشت پخته دیده بود ، لهذا مانوره خود را بيك حرکت بر همین گروپ که جزو ضعیف ترین بود داده با جناح چپ خود به تعرض و هجوم شدیدى بر گروپ مذکور اقدام نمود .

پیشدارهای گروپ مذکور که از طرف دیگر قطعات استناد نداشتند در آن واحد بر قسم کثی خودشان در کشیدند . در روز « ۱۱ » در اطراف ده های « ساستایچو » ، و « اولیتایچو » يك مخاربه شدت ناکی بوقوع آمده .

ژاپنها از جهت های «لیدیانطون» بر جناحهای راست روسها حرکت احاطه آغازنبا دند .

در روز ۱۲ «جنرال «اوقور» این حرکت احاطه خود را زیاده تر پیش برده و از طرف راست بر طول غند «ع» استناد کرده بر خط «شیلی هو» بشدت تمام هجوم نمود . در اطراف قریه های «شیلی هو» و «نونوان میاا» و به نطونیرولود و نیز در دیازا «محاربه های بسیار خونریزی بوقوع آمد . و در اثنای این خون ریزیها قریه های مذکور کاه بدست روسها کاه بدست ژاپنها رد و بدل میشد . تا آنکه آخر الامر ژاپنها غالب آمده قطعات روس مانند موجدهای بحره به دیوارهای سنگ بست پخته کاری لنگرگاهها بخورد پی هم و یک بر دیگر شکست خورده و غلطیدند . و بقدر «۳» غندك طوب ، و مقدار بسیاری اسیر تر ك کرده به آن طرف نهر «شاحو» بعقب کشیدن مجبور شدند .

حالا به بینم که در اثنای این کیرودار گروپ مرکز چه میکنند :

(گروپ مرکز جنرال قورو با تکین) . — : این گروپ که درین اثنای یکچند کیلو متره بشمال معدنهای (یه نثای) تقرب کرده بود ، و در پیش هجومهای شدید ، و حمله های خونریز عنید جنرال (نوزو) که با یک قسم تول غند (قوروکی) حمایه شده بود بر جعت قهقری مجبور شده بود . اگر حرکات دلیرانه سواری جنرال (میچو نقو) نمیبود این قولتون غند از حرکت احاطه ژاپنها بدشواری جان سلامت میدید . جنرال (قورو با تکین) که بعد از مدت هشتماه بهزار زحمت فکر تعرض و هجوم را بر روی کار آورده بود درینبار سر اسیر ازان فکر خود قطع نظر کرده بر خط (شاحو) باز بحال تدافعی خود بر جعت قرار داد .

اینست که درین اثنای جنرال (قورو با تکین) برای جنرال «شنا کلیرغ»

که خیلی آزاده سرانته پیش رفته بود بر جعت امر داده بود و اینقدر مقاومت که کردهم محض از خاطر آن بود که برای رجعت او فرصت برساند . زیرا اگر پیشتر از این رجعت میکرد هلاکه احاطه کروپ شتا کلبرخ محقق بود . اینست نتیجه کروپ های سه گانه هجوم آورانه روسها مقابل تول غند های ژاپان .

رجعت — روز ( ۱۳ ) او کتب بر به هجوم شدتنا کی که تول غند « ۲ » ژاپان با بعضی اقسام دیگر تول غند ها مشترکاً بر سر کوز روس اجرا کردند گذشت . از نتیجه این هجوم قطعات روس آهسته آهسته بسوی شمال عقب کشیدن گرفتند .

درین اثنا جنرال « شتا کلبرخ » بر حرکت رجعت خود به اینصورت دوام میور زید :

قول تول غند ( ۳ ) که با پیاده و طوپچی ( رنه نقامف ) تقویه شده بود در دره های ( وانفولینغ ) و قاور طولینغ دمدار ها ترك کرده از سر ( شی هوی چه نغ ) یکسر بسوی شمال عقب میکشید . درین اثنا قول تول غند نخستین سبیریا در طرفهای « بانیا پوجا » به کروپ « زارو بایف » التحاق میور زید و جنرال « رنه نقامف » نیز با قواهای خود از سر کوههای « تا لینغ » رجعت مینمود .

در اثنای این رجعت ، مقرزه شرق روس بسببیکه از طرف قطعات عسکریه ( قوروکی ) از بسیار نزدیک تضییق و فشار می یافتند یکچند طوپ و اسیر اسیرشان بدست ژاپانها افتاده بود .

عین همین روز در جهت غرب در طرف جنرال « بیلده رلینغ » به تقویه مواضع که بدست داشت ، و در طرف جنرال « او قو » بر طوپ گرفتن مواضع

روس ، و نزدیک کردن پیاده خود را تا بدرجه ممکن به پیش برای حاضری هجوم فر داس و نمود .

اینست که به اینصورت بوقت شام روز « ۱۳ » تول غنند روس تنها برینکه از حرکت تعرضیه خود صرف نظر کنند ، و بحرکت و جمعیه خود دوام ورزد باقی نمانده بلکه بر خط « شاحو » بکمال پریشانی انداخته هم شدند . جنرال « اوفر » برای هجوم مواضع گروپ ضرب از قرار ذیل استقامتهای رفتار خود را نشان میداد :

در راست لوی غنند [ ۶ ] یکسر بسوی [ قوان حادبان ] پیش میشود ، لوی غنند « ۴ » در مسکو ، جاده [ ماندارین ] را تمقیب میکند ؟ در چپ لوی غنند [ ۴ ] در مابین خط شمندوفر ، و « شاحو » رفتار میکند . دو غبرک غنند احتیاط نیز از عقب جناح چپ پیش روی میکند .

— صفحه سوم میدان محاربه —

هجوم ژاپنها بر مواضع « شاحو »

هجوم در شب [ ۱۴ ] ماه بوقوع آمده روز [ ۱۴ ] نیز دوام نمود . این هجوم بمقابل [ ۲۴ ] قطعه طوپ روسها که در در طرف جاده « سارین » وضع شده بود از طرف لوی غنند [ ۳ ] تول غنند [ اوفر ] غاریافت . بعد از آن همین لوی غنند در اطراف « شاحو پو » بیک محرابه بسیار خون ریزی درآمد . و بعد از کم وقت قریه « شاحو پو » را ضبط و تسخیر نمود . اما روسها بسبب رسیدن احتیاطهای تازه دم خود یک حرکت شدید تعرضیه اجرا کرده آن را واپس استرداد کردند .

در جناح چپ ، ژاپنها ده های « لانگ سیو » — و — له نشین پو را گرفتند

و بیک صورتیکه جناح راست روسها را بحرکت احاطه تهدید نمایند در ساحل راست شهر «شاحو» جایگیر شدند .

هر دو طرف، شب «۱۵» ما را با هم دیگر بسیار نزدیک بر خط «شاحو» بسر آوردند . درین اثنا روسها تپه «یکه درخت» ، و قریه «شاحوپو» را بدست داشتند . ژاپانها نیز در ساحل راست قریه «له نغ سیپو» را در زیر استیلای خود در آورده بودند .

روز «۱۵» ما محاربه بایک دوئلوی شدید طویچی آغاز نهاد . بوقت صبح جنرال «بیلده رلینگ» برای پس بدست آوردن قریه «له نغ سیپو» بسیار کوشش ورزید . ولی کامیاب نیامد .

در وقت شام هنگامیکه تاریکئی شب جهان را فرا گرفت غیر ک غنند «یانامای» ژاپانی بضبط کردن تپه «یکه درخت» که نقطه خیلی مهم و بر تمام منطقه آن جوار حاکم بود بدست آورد . برین تپه تنها یک درختی موجود بود که از هر طرف افق معلوم میشد .

در روز «۱۶» اوکتنوبر بعد از پیشین از طرف قورویا تکین برای پس بدست آوردن این تپه یک امر شدید رسید . و برای این کار جنرال «پوتیلوف» مأمور گردید . درین اثنا طویچی ژاپان، سپرهای روس را که در نزدیکئی ده «ساحاپان» بود شکاف شکاف میکرد .

بنابرین گرفتن این تپه که این آتش شدید از آن اجرا میشد برای روسها ضروری بود . افسران قطعات عسکریه که این سپرها را مالک بودند بایکدیگر مشورت کردند . غنند «شر الای» «۱۶» همه مسئولیت را در عهده گرفته داوطلب گرفتن تپه مذکور شد .

هجوم بساعت «۴» آغاز نهاد . بعد از «۱۲» غنند روس که بفرقه «۲۲» منسوب

بود از شهر شاحو گذشته با سر نیزه بر تپه «یکه درخت» خود را انداختند، و بعد از يك مصادمه بسیار شدید هول انگیزی تپه مذکور را بدست آوردند. اما گرفتن این تپه، بر غنند «۸۶» روس خیلی قیمت بها تمام شده. زیرا بعد از مصادمه در غنند مذکور تنها «۸» افسر باقی مانده بود.

در میان سپرهای ژاپان در مابین مختصمین طرفین چنان يك محاربه سر نیزه شدیدی بوقوع آمد که تصور آن موهای انسان را بر میخیزاند نهایت الامر این اول بار بود که از ابتدای این حرب تا به ایندم روسها دو غنندك طوپ ژاپنها را ضیط توانستند و بر موضی که بدست ژاپنها بود حاکم شدند.

غبرك غنند ژاپنا «برین زمین مجادله بقدره» «۱۰۰۰» مرده گذاشتند. قوماندان غنندك های ژاپان که بدست روس میافتاد چون دید که چاره منحصر شد و طوپها بدست روس میافتد هماندم از دیدن این حال واسیر رفتن بدست دشمن رفتن دیار آخرت را ترجیح کرده بر سر طویی که بالذات آنرا آتش میگرد با طیانچه که بدست داشت خود را هلاک نمود.

این هجوم بر غنند روس به تلف شدن «۸» افسر و «۵۰۰» نفر تمام شده. سر از امر و ز نام این تپه ضربی این میدان را تپه «پوتیلوف»، و تپه یکه درخت را تپه (نودغورد) که نام جنرال، و نام غنند بود نهادند.

با وجود اینهم، این مغلوبیت جزوئی ژاپنها بر هیئت عمومیه میدان محاربه هیچ تأثیری نشان نداد. اما اینقدر معلوم شد که اگر قوماندان تول غنند روس از مهالك حرکات تعرضیه قترسد، و بر پیش رفتن و هجوم بردن جرأت نماید اگر چه بدرجه ژاپنها باشند باز هم قابل موفقیت میشدند.

### محاربه های آخری شاحو

در روز (۱۷) بارانها باریدن گرفت، در يك آن اراضی بيك حالی که گذشته

نشود درآمد . بحرارت و شدت خون ریزی محاربین خلیل وارد شد و هم  
مهمات حربیه بکم شدن آغاز نهاده بود .

روز ( ۱۸ ) بایک چند مصادقه بی اعمیتی گذشت . نهایت الامر بعد ازین  
مخاربه های ده روزه هر دو مختاصم بر جاهائی که بودند بماندند . درین محاربه دور  
و دراز ، روسها بقدر هزار ( ۱۰۰۰ ) افسر ، و سی هزار ( ۳۰۰۰۰ ) نفر ، و ژاپانها  
( ۵۰۰ ) افسر ، و ( ۱۵۵۰۰ ) نفر ضایب کردند که بعد از محاربه های ( نابولیون )  
در ( ایلو ) و ( موسکوا ) در هیچ حرب دیگر اینقدر خون بیهوده و بی نتیجه  
تر نخفته است .

فرق عظیمی که در مابین ضایعات دودشمن دیده میشود حقیقتاً شایان  
دقت و تعجب است ، سبب این فرق ازینست که اولاً طویلی ژاپان در خصوص  
استعمال طوب پر روسها رجحانیت و تفوق داشتند . دیگر اینکه عسکر های  
( پیکادو ) در ترتیبات هجوم و فایده برداشتن از اراضی که بران حرب میکردند  
مهارت و دانایی فوق العاده را مالک بودند . و هم افسران ژاپانی در خصوص  
مانوره و پلان جنگ نسبت پر روسها صاحب اختراع شمرده میشدند .

نظر بر وایاتی که شانندان بیطرف بیان کرده اند ، و در میدان محاربه حاضر  
بوده حرکات طرفین را بچشم دیده ندیده ژاپان در خصوص پیشرفت درین  
محاربه نیز عین همان قواعد و اصولی را که در ( لیائویانغ ) پیش گرفته بودند  
تطبیق کرده اند .

مادرینجا برای تأیید مدعا از مشاهدات خرد جنرال ( قورویاتکین ) که در راپور  
خود بیان کرده اند که این دو مختصر واقعاً اکتفا میکنیم :

در ( ۱۶ ) اوکتوبر در محاربه میدان ( شاحو ) دوسه کمدک ژاپان دفعته  
پدیدار شدند ، و بمجردیکه به آتش شراپیل ما هدف شدند هماندم بجایبکشی تمام



بجستجوی محلات مستور، و تشبیه پنهان کردن خود افتادند.

« بعد از آن دیدیم که سه سه نفر، پنج پنج نفر در میان يك مزرعه جواروی بسوی ما میروند، و از جواریهها يك يك دسته ساخته بجا بکشی تمام بسوی ما پیش میشوند. دیگر بعضی از آنها را دیدم که بخطوه های جهیدن (۵۰ و ۶۰) قدمی اجرا میکنند. در اول امر ما چنان گمان کردیم که آنها در میان کشتزار جواروی برای خود يك حایه و پناه گاهی میجویند. اما بعد از آن دانستیم که آنها در میان آنها و اصل کشتزار شبیه ساخته از کشتزار برآمده اند، و سپرها و جرها کنده، دسته های مذکور آن را ستر کرده اند. و دیگر قدمه ها از عقب آن ها رسیده محلات مذکور را وسعت و فراخی میدادند، و قدمه های اولی باز بیشتر شده بهمین صورت موضع دیگر رفتند.

« اینست که به اینصورت ژاپنها دائما اراضی کجایی کرده پیش میشدند.

« در روز (۱۷) اکتوبر غنچه نمبر (۳۶) ما دیدند که يك خط باریك دشمن یکسری بسوی شان میدوند، و چون بشدت بر آنها آتش کردند همه شان بر زمین خوابیدند، و با وجود شدت آتش ما یکمندی در اینجا دراز افتاده ماندند. اما این ژاپنهای کوچک در اینجا پیاده و وقت نمیگذرانیدند. بلکه بالعکس برای پیش بر آمدن دیگر رفقای خود که از عقب شان در آمدن بود سپرها و جرها میکنند.

« بعد از آنکه سپرها را کردند، آن کتله های کوچک کوچک باز يك يك دود و پنج پنج بخطوه های جهیدن پیش آمده باز بر زمین افتادند، و جای اولی آن ها را دیگر قدمه ها گرفته آنها باز بکشدن سپرها مشغول شدند. اینست که به اینصورت اراضی کجایی کرده بخط بخط پیش میآمدند.»

پس ازین يك معلوم میشود که در هجومهای خود پیاده ژاپان از زدن بیشتر اسباب زده نشدن را میبجستند . و حرکات پیش روئی شان دایما بر همین دو قاعده و اصول مبنی میباشد :

(۱) - كندك هارا بر بعضی جزوهای كوچك كوچك بسیار متحرك و فعال جوالی که هدف اصلی را اضلا از نظر غائب نكنند، و مالك استقلال بزرگی باشند انقسام دادن .

(۲) - از محلات مستور طبیعی ، بصورت بسیار واقفانه و مدققانه استفا ده کردن ، و یا آنکه مانند سپرهای خاکی ، و سپرهای چوب و سنگ ، و توبره های رنگ محلات مستور صناعی بوجود آوردن .

اینست که بسبب رعایت اصول این قواعد بقدر ضایعات خود شانرا از حد زیاد کم کرده توانسته اند .

کرنیل ( پروتزارت فون شلمندورف ) المانی که درین محاربه بصفت ( آئشه میلتر )ی از طرف دولت متبوعه خود آمده بود این حکایه را در مشاهدات خود تحریر کرده است که ازین حکایه يك نسقی و یکسانی ، عسا کر ژاپان در اصول و وقوف و تکمل شان در فروع صراحتاً بمیدان میبراید .

این حکایه در باب هجوم جبهه ایست که در ( ۱۱ ) اوکتوبر از طرف شبرك غندسوم پیاده ژاپان بر تپه قامیل بوقوع آمده است :

۳ ساعت ( ۴ ) بود که پیاده ها جبهه ازین اراضی بسیار صاف و بی سرپناهی بگذشتن مجبور بودند ، صفهای شکاری ژاپانها به آتش شدید پیاده که از طرف جنوب میآمد ، و آتش طوپچی که از شمال میریخت هدف شدند .

۳ درین اثنا صفهای شکاری دفته تولی تولی ، و تولی های بلوك بلوك ، و بلوك ها بر کتله های كوچك كوچكی انقسام یافته بخطوه های جهیدن به پیش